

حدوث دهری میر داماد

مقدمه

فعالیت فلسفی قبل از عصر صفویه مصروف تلفیق دین و فلسفه بوده است. فارابی و ابن سینا در این زمینه سعی بلیغ نموده بودند. متکلمین بعد از قرنهای پنجم و ششم عرصه را بر فلسفه استدلالی تنگ کرده بودند. شیخ شهاب الدین سهروردی دیدگاه جدیدی در فلسفه اسلامی بوجود آورده بود که بآن حکمت اشراق میگویند. در عصر صفویه میر داماد و صدر المتألهین فضل نوینی در فلسفه اسلامی گشودند. فلسفه این دو فیلسوف از حکمت مشاء و اشراق و افکار عرفانی و تعالیم ائمه اطهار (ع) ترکیب گردید، میر داماد حدوث دهری را تبیین و از طریق اصالت ماهیت پیروی کرد و صدر المتألهین حرکت جوهری را ابداع نمود و از طریق اصالت وجود را اختیار و تکمیل کرد.

بعد از ذکر این مقدمه بسیار کوتاه شرح حال میر داماد باجمال یادآوری میشود.

سرگذشت میر داماد

میر محمد باقر بن شمس الدین محمد ملقب به داماد و سید

داماد و معلم ثالث از فلاسفه بزرگ اسلامی محسوب میشود.

لقب داماد بیدر او تعلق دارد، چون داماد شیخ علی بن عبدالعالی مجتهد معروف

بوده است. سید داماد بعد از مرگ پدر مانند سایر افراد خانواده خود لقب داماد را

بارت برده است .

سید داماد شاگرد شیخ حسین عاملی پدر شیخ بهائی ودائی خود ، شیخ عبدالعالی پسر محقق کرکی بوده است . سید داماد در فقه و حدیث منحصر بفرد بوده است و در لغت و بکار بردن کلمات مهارت و در ریاضیات و طب و تفسیر تبحر داشته است . سید داماد شعر میسرود و اشراق تخلص او بوده است رباعی زیر از اوست .

عشق آمد وهستی مرا یشه بسوخت سودای تو بوم و بر اندیشه بسوخت
از آن عشق عاقبت سوز بیرس کین صاعقه نخل عمر تا ریشه بسوخت

میرداماد در فلسفه خود را در شمار فارابی و ابن سینا دانسته در آثار خویش می نویسد شریکنا فی الریاسه شیخ الرئیس و شریکنا فی التعلیم ابونصر فارابی . بهمینار را در ردیف شاگردان خود می شمارد و مینویسد تلمیذنا بهمینار .

سید داماد و شیخ بهائی دویار با صفا و با وفا بودند . روزی شاه عباس بفرج رفت و این دو عالم ربانی در التزام رکاب وی بودند . شاه برای آزمودن صدق و صفا و وفای ایشان نزد میرداماد که بواسطه جنه بزرگش عقب افتاده بود رفته گفت : شیخ بهائی برخلاف شما رعایت وقار نمینماید جلوتر رفته اسب بازی میکند . میرداماد میگوید: چنین نیست ، اسب شیخ از کثرت شادی از حمل شیخ برقص آمده آرام ندارد که چنین عالمی بروی سوار شده است . بعد شاه نزد شیخ رفته میگوید: اسب از کثرت جنه میرداماد خسته شده تاب حرکت ندارد . شیخ شاه میگوید: چنین نیست بلکه خستگی اسب میرد اثر ناتوانی از حمل علمی است که کوههای بزرگ از تحمل آن عاجز هستند . شاه از مشاهده این همه صفا بین علمای عصر خود بین جماعت سجده شکر بجای آورد (۱) .

میرداماد در سفری که زیارت عتبات رفته بود بین کربلا و نجف بسال ۱۰۴۰

هجری وفات کرد و در نجف اشرف دفن شد .

بعضی از تصنیفات و تألیفات سید داماد از اینقرار است :

- ۱ - الأفق المبین .
- ۲ - الصراط المستقیم .
- ۳ - التقدیسات .
- ۴ - حبل المتین .
- ۵ - جذوات
- ۶ - قبسات .
- ۷ - حاشیه بر الهیات شفا .
- ۸ - سدرۃ المنتهی .

انواع قدیم و حادث قبل از بیان حدوث دهری سید داماد ، معنی حدوث و قدم و اقسام آنها را اجمالاً بیان میکنیم :

ایس بعد از لیس مطلق را حدوث گویند . حادث در مقابل قدیم قرار دارد . قدیم وجودی است که بعد از عدم یا بعد از غیر خودش نباشد در اینصورت حادث موجودیست که بعد از علت یا پس از عدم یا بعد از عدم زمانی یا عدم مجامع ایجاد شود . عدم مجامع یعنی مسبوقیت وجود بعدم ذاتی .

انواع قدیم :

- ۱ - قدیم حقیقی : موجودی است که بغیر احتیاج ندارد وهستی او ازلی وابدیست :
- ۲ - قدیم اضافی : موجودی است که زمان ایجادش مقدم بر زمان ایجاد موجود دیگر است .

- ۳ - قدیم ذاتی : موجودی است که قائم بذات بوده و بغیر خود محتاج نیست .
- ۴ - قدیم زمانی : موجودی است که بعدم واقعی یعنی عدم فکری مسبوق نیست

وجودش در امتداد زمان مستمر الحصول است .

۵ - قدیم دهری : وجود حاصل بالفعلی است که در واقع ونفس الامر ، بعدم صریح مسبوق نیست ، از اینرو وجودش ازلی ومستمراست . قدیم دهری را میرداماد اصطلاح کرده است .

انواع حادث :

۱ - حادث حقیقی : بموجودی اطلاق میشود که مسبوق بعدم یا مسبوق بغیر خودش بوده احتیاج بعلت دارد .

۲ - حادث اضافی : موجودی است که زمان ایجادش از موجود دیگر دیرتر باشد .

۳ - حادث ذاتی : مسبوقیت موجود بعدم ونیستی ذاتیست .

۴ - حادث زمانی : موجودی است که بعدم واقعی مسبوق است ووجودش از عدم سابق که آنرا عدم مقابل نیز گویند منقطع شده است .

۵ - حادث دهری : مسبوقیت موجود بعدم مقابل را حادث دهری نامند .

۶ - حادث طبیعی : حادث طبیعی ابتکار وابداع صدرا المتالین است و بوجودی گفته میشود که بنا بر حرکت جوهری در هر لحظه تبدیل میشود . از حادث طبیعی در مقاله دیگری به تفصیل بحث میکنیم .

۷ - حادث اسمی : اصطلاح وابداع محقق سبزواری است . حادث اسمی موجودیست که اسم و عنوان آن حادث اما وجودش وجود منبسط ونور مطلق است .

محقق سبزواری میگوید اصطلاح حادث اسمی را از کلام الهی برداشت کردم که میفرماید :

«اتجادلونی فی اسماء سمیتموها اتم و اباؤکم ما نزل الله بها من سلطان» (۱) .

ونیز کلام امیر المؤمنین و سیدالموحدین علی (ع) را میآورد : توحیده تمیزه عن خلقه .

آیه شریفه اشاره بمقام استهلاك و فناء ذاتی هر موجود ممکن در پرتو قهاریت حضرت حق جل و علاست، چنانکه در قرآن کریم میفرماید: **کل شیء هالك الا وجهه (۱)** و نیز میفرماید: **کل من علیها فان (۲)** یعنی اینطور نیست که ممکنات اکنون باشند و بعد فانی شوند بلکه آنان در مرتبه ذات فانی هستند. چنانکه وقتی آن عارف این جمله را شنید که کان الله ولم یکن معه شیء. گفت: الآن کماکان. پس همه با استهلاك ذاتی مستهلك اند اما چون گرفتار عالم حس هستیم خیال میکنیم ما و چیزهای دیگر وجود داریم.

در روز ظهور مقام قهاریت الهی که خطاب میشود لمن الملك الیوم و کسی آنجا نیست که جواب گوید معلوم میشود فقط اوست و هیچ چیز با او نیست. الآن هم هیچ چیز نیست، الآن هم اسم و رسم است و همه چیز در مرتبه ذات منمحق است. لکن باید گفت اینها همه نمایش وجود دارند و نمود هستند نه حقیقت بود، یعنی صرف ربط موجودات بآن وجود بحث بسیط منشاء انتزاع موجودیت اشیاء ممکنه شده است.

۸ - حادث دهری: سید داماد در قبسات از سه نوع حدوث بحث میکند، یکی حدوث ذاتی، دیگر حدوث زمانی و بالاخره حدوث دهری. روش میر داماد در بیان حدوث دهری اینست که ابتدا نظریه فلاسفه سلف را در باب حدوثهای سه گانه فوق الذکر شرح میدهد، سپس نظریه خود را در باب حدوث دهری بتفصیل بیان می کند.

میر داماد در قبسات از قول شیخ الرئیس ابوعلی سینا مینویسد: شیخ در تعلیقات گفته است: حدوثی که مقید بزمان نیست و عبارت از وجود شیئی، بعد از عدم بحث است بر دو نوع است، زیرا یا وجود شیئی بعد از لیسیت مطلق است و آنرا حدوث ذاتی

گویند و افاضه‌اش را ابداع و یا وجود آن مسبوق بعدم صریح است که آن عدم درمتن واقع قرار دارد، یعنی بعد ازلیس غیر مطلق است و این نوع حدوث را حدوث دهری نامند و افاضه وجود بعد از عدم صریح غیر متقدر، احداث و صنع نامیده میشود. اما حدوثی که مقید بزمان است يك قسم است و آن وجود شیء در زمان است که مسبوق بعدم زمانی متقدر سیال واقع در زمان قبل است، همان قبلیتی که دارای کم زمانیت (این همان حدوث زمانیت) و ایجاد شیء در زمان بعد از عدم زمانی متقدر سیال تکوین نامیده میشود (۱).

میرداماد بیان ابوالبرکات بغدادی را از کتاب «المعتبر» برای اثبات حدوث دهری چنین نقل میکند: کسی که مدت عدم را قبل از وجود حادث طلب کند از او میپرسند که آیا این مدت محدود و مقدر بتقدیری از قبیل روز یا ماه یا سال معینی است یا هر مدتی که باشد کافی است؟ جواب میدهد که در حد حدوث حادث هر مدتی که عدم بر آن تقدم داشته باشد و بتبع آن وجود پیدا شده باشد کافیست. باز از او میپرسند آیا کافی است که عدم بمدت یکسال متقدم باشد؟ پس میگوید آری. باز از او میپرسند اگر بجای يك سال يك ماه باشد کافی است یا نه؟ ناچار يك ماه اکتفا میکند بعد سؤال را بروز و دقیقه و ثانیه تنزل میدهند، بنابراین متنبه میشود که زمان در حدوث تأثیری ندارد و هر تأثیری بخاطر اثر است. بنابراین وقتی بعضی از افراد زمان که در آن حدوث فرض گردیده رفع شود، حدوث رفع نمیگردد. پس رفع همه زمانها نیز رافع حادث نیست (۲).

از اینجا روشن میشود که حکما مقدم بر میرداماد از حدوث دهری بحث کرده‌اند و میرداماد آنرا تبیین و اثبات کرده است.

۱ - میرداماد: قبسات، تهران، ۱۳۱۵ هجری، صفحه ۳ - ۴

۲ - میرداماد: قبسات، صفحه ۵.

اثبات حدوث دهری

دهری ابدأ سید الافاضل کذاک سبق العدم المقابل
بسا بقیه له فکیه لکن فی السلسله الطولیه

میرداماد در خلال مطالب قبسات و جذوات با سه مقدمه و یک تبیین حدوث دهری را اثبات میکنند، که در حاشیه شوارق (۱) و شرح منظومه محقق سبزواری (۲) چنین خلاصه شده است.

۱ - وجود هر موجودی و عائی دارد. ظرف سیالات و حرکات و متحرکات زمان است خواه بنفسه باشد یا باطرف مانند آنات مفروضه و وعاء بنفسه و یا بوجه انطباق است مانند حرکات قطعی که منطبق بر مسافت و زمان است یا بوجه انطباق نیست مانند حرکات متوسطه که بر زمان منطبق نمیشود یعنی متحرک دهر آئی در یک مسافتی است. دهر جاری معجری مفارقات نوریه است. دهر بسیط بوده مجرد از کمیت و اتصال و سیلان و امثال اینهاست. نسبت دهر بزمان مانند نسبت روح است بتن.

سرمه بمنزلت و عاء حق و صفات و اسماء اوست.

۲ - وجود باجمال بدو سلسله طولیه و عرضیه تقسیم میشود. سلسله طولیه بعد از مبدئش که مبدأ المبادی و غایه الغایات است عبارت از لاهوت، جبروت، ملکوت و ناسوت است. سلسله طولیه بموجوداتی اطلاق میشود که بین آنان ترتیب علیت و معلولیت برقرار باشد. سلسله عرضیه، عالم اجسام طبیعی است. این سلسله عبارت از موجوداتیست که بین آنها ترتیب علیت و معلولیت نیست.

۱ - طوسی (خواجه نصیر الدین): تجرید الکلام، شرح مولانا عبدالرزاق لاهیجی، جلد اول، ۱۳۱۱ هجری، صفحه ۹۵.

۲ - محقق سبزواری (حاج ملاهادی): شرح منظومه حکمت، تهران، ۱۳۶۷ هجری، صفحه ۷۵ - ۷۷.

۳ - عدم در احکامش تابع وجود است یعنی عدم مثلا در وحدت و کثرت و ثبات و تحرك و ظرف تابع وجود است. بنا بر این وعاء عدم نیز مانند وجود عدم زمانی ، عدم دهری و عدم سرمديست و رسم اعدام در اذهان است. باین ترتیب وجود هر عالم مافوقی ظرف عدم عالم مادونست .

بعد از ذکر مقدمات سه گانه حدوث دهری تبیین میشود . نظریه سید داماد که میگوید عالم حادث دهری است ، معنایش اینست که عالم ملك یعنی عالم زمانیات مسبوق الوجود بعدم دهری است ، زیرا عالم ملك مسبوق الوجود بـ وجود ملکوتیست که ظرف آن دهر است . همانطوریکه وجود هر قطعه‌ای از سلسله عرضیه زمانی عدم یا راسم عدم دیگری از این سلسله است ، همچنین هر مرتبه‌ای از سلسله طولیه موجودات عدم یا راسم عدم مرتبه دیگر است . بنا بر این چون عالم ملکوت مقدم بر عالم ملك است . و وعاء عالم ملکوت دهر است و عالم ملك عالم ملکوت نیست ، پس حدوث عالم حدوث دهری است و همانطور که عدم در سلسله عرضیه واقعی است در سلسله طولیه نیز چنین است ، زیرا وعاء هر مرتبه‌ای بعینه وعاء عدم مرتبه بعد از آنست ، مثلا از عقل اول عقل دوم در ذهن رسم میشود ، یعنی عقل دوم در مرحله عقل اول معدوم است. همانطور که مقدار حرکات دوریه زمین زمان است ، امتداد سیر نسور حقیقی وجود در قوس نزول و صعود در مدار فلک وجودات این عالم ایام ربوبیه است ، چنانکه قادر متعال در قرآن کریم میفرماید : و ذکر هم با یام الله (۱) .

انتقاد محقق لاهیجی بر حدوث دهری

محقق لاهیجی میگوید: حکما شش قسم تقدم قائل شده اند و یکی از بزرگان فضلا ، که مرادش میرداماد است ، به قسم هفتمی بنام تقدم دهری و سرمدي معتقد

شده است. باین بیان: اگر بخواهیم تقدم واجب الوجود را بر عقل اول تقدم بالعلیه بدانیم لازم می آید که یکی از قوای مدرکه ماظره واجب الوجود واقع شود، زیرا کنه متقدم و متأخر یعنی علت و معلول در تقدم بالعلیه ادراک میشود. اما چون کنه واجب الوجود ادراک شدنی نیست پس نمیتوان واجب الوجود را بتقدم بالعلیه ادراک کرد. بنابراین واجب الوجود در متن واقع متقدم است و عقل اول در متن واقع حادث دهری است.

محقق لاهیجی بعد از بیان قدم دهری میرداماد آنرا مردود میداند باین طریق: وقتی میگوئیم تقدم بالعلیه در عقل است مراد ما این نیست که عقل ظرف علت و معلول باشد، بلکه میخواهیم بگوئیم عقل حکم میکند باینکه علت در خارج مقدم بر معلول است، خواه علت واجب الوجود باشد، یا ممکن الوجود، مثلاً در تقدم حرکت دست بر کلید، عقل حکم میکند باینکه دست در خارج مقدم بر کلید است نه اینکه در خارج با هم معیت داشته باشند و در عقل دست مقدم بر کلید باشد.

رد انتقاد محقق لاهیجی

محشی بعد از تمهید مقدمات و تبیین حدوث دهری در صفحه ۹۵ شوارق انتقاد محقق لاهیجی را بر حدوث دهری میرداماد مردود میداند که بیان اجمالی آن از اینقرار است:

در اقسام ششگانه تقدم و سبق باستانی تقدم زمانی، متقدم و متأخر یا در وجود مجتمع اند یا از اجتماع امتناع ندارند. لکن در قسم هفتم یعنی سبق دهری عدم اجتماع یعنی انفکاک متقدم و متأخر معتبر است. اما انفکاک دهری با انفکاک زمانی فرق دارد، چون تقدم زمانی در وعاء زمان است و تقدم دهری در وعاء دهر، پس وقتی وعاء این دو باهم متفاوت شد، پس تقدم دهری يك قسم جداگانه است.

منابع

- ابوالبركات البغدادي : المعبر ، حيدرآباد دكن ، ۱۳۵۷ هجرى .
- محقق سبزواری (حاج ملاهادی) : شرح منظومه حكمت ، تهران ، ۱۳۶۷ هجرى
- محقق طوسى (خواجه نصير الدين) : تجريد الكلام ، شرح مولانا عبدالرزاق لاهيجى ، جلد اول ، ۱۳۱۱ هجرى .
- مدرس (محمدعلى) : ریحانة الادب ، جلد چهارم ، تهران ۱۳۳۱ .
- میرداماد (محمد باقر) : جذوات ، ۱۳۰۲ هجرى .
- ديوان اشعار ، اصفهان ، ۱۳۵۰ هجرى .
- قبسات ، تصحيح شيخ محمد بروجردى ، تهران ، ۱۳۱۵ هجرى
- نصر (دكتور سيد حسين) : نظر متفكران اسلامى درباره طبيعت ، تهران ، ۱۳۴۲